طلا دیگر کالای لوکس نیست؛ «ابزار بقا» در عصر گلدتک

تحلیلی بر دگردیسی رفتار اقتصادی ایرانیان در زمینه خرید و فروش آنلاین طلا

آرش پارساپور

برای دهه‌ها، بازار طلا در ایران حکم یک «جعبه سیاه» اقتصادی را داشت. تصور عمومی بر این بود که طلا، بازی بزرگان است و سرمایه‌گذاران در آن از افرادی هستند که خون رنگین‌تری نسبت به سایرین دارند؛ بازاری در انحصار بنکداران بازار بزرگ تهران، طلافروشان متمول و سرمایه‌گذاران کلان که با شمش‌های سنگین سروکار دارند. اما داده‌های جدید از صنعت نوظهور «گلدتک» (فناوری‌های طلامحور) در سال ۱۴۰۴ که توسط تکراسا اینسایت منتشر شده، پرده از واقعیتی برمی‌دارد که تا پیش از این زیر لایه‌های ضخیم سنت و عدم شفافیت مدفون بود. ریزآمار خریدهای خرد و انبوهی از داده‌های قابل اندازه‌گیری که در این گزارش مشاهده می‌شود؛ اصلا در بازار سنتی طلا (و هیچ بازار قدیمی دیگری) یا عملی نبود، یا اگر هم انجام می‌شد ثبت و دیده نمی‌شد؛ بنابراین باید گفت بازار طلا در ایران با گلدتک‌ها «شفاف» شده است.

داده‌های گزارش تکراسا اینسایت دست‌کم چهار نوع شفافیت را به‌طور هم‌زمان فعال می‌کند: (۱) شفافیت مقیاس (اینکه بازار واقعا از چند معامله و با چه ابعادی ساخته می‌شود)، (۲) شفافیت رفتاری (اینکه کاربران خرد دقیقا چگونه و با چه الگویی می‌خرند یا می‌فروشند)، (۳) شفافیت عملیاتی و نقدشوندگی (اینکه در بحران‌ها چه میزان امکان تحویل دارایی وجود دارد) و (۴) شفافیت نهادی (اینکه دارایی دیجیتال دقیقا کجا و با چه سازوکاری نگهداری و قابل استعلام می‌شود). ارزش این چارچوب در آن است که «شفاف‌سازی» را از یک توصیف کلی، به یک ابزار تحلیل قابل سنجش تبدیل می‌کند.

شفاف‌شدن رفتار کاربران بازار طلا

این گزارش تحقیقی نشان می‌دهد که چگونه پلتفرم‌های آنلاین خرید و فروش طلا فرایند معامله را تسهیل کرده‌اند و برای اولین بار در تاریخ اقتصاد ایران، رفتار واقعی «انسان اقتصادی» ایرانی را در مواجهه با تورم و نااطمینانی «شفاف» کرده‌اند. ما شاهد گذار از «طلای زینتی» به «طلای الگوریتمی» هستیم؛ جایی که بازیگر اصلی دیگر یک تاجر سالخورده یا یک فرد میانسال اتوکشیده نیست، بلکه جوان نسل زد است که با پس‌انداز ناهار خود و در حالی که هودی لش به تن دارد، میلی‌گرم میلی‌گرم طلا می‌خرد. «شفاف‌شدن رفتار» یعنی بتوانیم به‌جای روایت‌های شفاهی (که معمولا یا اغراق‌آمیزند یا کلیشه‌ای)، با اعداد دقیق بگوییم کاربر ایرانی چگونه «ریسک تورم» را قیمت‌گذاری می‌کند، چگونه بین «نقدشوندگی» و «امنیت نگهداری» معامله می‌کند و چه زمانی از «اعتماد دیجیتال» به «ترجیح فیزیکی» برمی‌گردد. این همان بخش پنهان اقتصاد ایران است که در بازار سنتی، عملا قابل مشاهده نبود و پلتفرم‌ها موجب شکل‌گیری آن شدند.

در این گزارش، با بررسی داده‌های بیش از ۴۰ پلتفرم فعال و تمرکز ویژه بر داده‌های عملیاتی بازیگران پیشرو نظیر «میلی»، شکاف عمیق بین «تصورات کلیشه‌ای» و «واقعیت‌های آماری» بازار طلا را می‌توان واکاوی کرد.

گزارش، صنعت را با شناسایی ده‌ها بازیگر، اتکا به داده‌های قابل سنجش، تعریف روشن از مفاهیم کلیدی (مثل تعریف «کاربر فعال») روایت می‌کند؛ جایی که «کاربر فعال» به‌طور مشخص به معنای کاربری است که حداقل یک تراکنش خرید در سال دارد (و طلاهای هدیه در این تعریف لحاظ نمی‌شوند). همین تعریف ساده، مانع قاطی‌شدن «نصب اپلیکیشن» با «رفتار اقتصادی» می‌شود.

دموکراتیزه‌شدن ثروت؛ شفاف‌سازی «کاربر نامرئی»

بزرگ‌ترین دستاورد صنعت گلدتک در ایران، تکنولوژی بلاک‌چین یا اپلیکیشن‌های خوش‌رنگ‌ولعاب نیست، بلکه «شفاف‌سازی مقیاس» است. درواقع باید گفت تا پیش از این، هیچ داده دقیقی از اینکه مردم عادی چگونه دارایی خود را حفظ می‌کنند، وجود نداشت. تکراسا در گزارش خود می‌گوید در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۲ تا ۱۴ میلیون تراکنش در پلتفرم‌های خریدوفروش آنلاین طلا ثبت شده و حجم سالانه معاملات آنها حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار میلیارد تومان بوده است. این دو عدد، به‌تنهایی یک شکاف ذهنی را روشن می‌کنند: بازار آنلاین طلا نه «پدیده‌ای کوچک و حاشیه‌ای»، بلکه یک لایه قابل توجه از رفتار پس‌اندازی جامعه است، با این قید مهم که سهم آن از کل معاملات بازار طلا همچنان کمتر از یک درصد برآورد شده. یعنی این صنعت هم‌زمان «بزرگ» است ولی هنوز «در ابتدای نفوذ» قرار دارد؛ یعنی با یک بازار بزرگ تازه‌مرئی‌شده روبه‌رو هستیم که در آن بخشی از اقتصاد که پیش‌تر در پراکندگی معاملات خرد و غیررسمی گم می‌شد، اکنون ردپای داده‌ای و درست پیدا کرده است.

افسانه قدیمی شمش‌های سنگین و واقعیت کنونی میلی‌گرم‌ها

داده‌های تحلیل‌شده نشان می‌دهد میانگین حجم ذخیره طلای هر کاربر فعال در پلتفرم‌های آنلاین فقط حدود ۱.۵ گرم است. تصور عمومی این بود که ورود به بازار طلا نیازمند سرمایه‌های چندده‌میلیونی است، اما پلتفرم‌هایی مانند میلی با شکستن سد ورود، نشان دادند تقاضای واقعی در بخش درخواست خرد نهفته است. ناگفته نماند میانگین مبلغ هر تراکنش خرید در سال ۱۴۰۳ حدود ۵.۶ میلیون تومان ثبت شده است. با این احتساب می‌توان گفت طلا در ایران دیگر یک کالای لوکس نیست، بلکه به یک «ابزار بقا» برای طبقه متوسط و حتی اقشار کم‌درآمد تبدیل شده است. پلتفرم‌های آنلاین با امکان‌پذیرکردن خرید «میلی‌گرم»، بازاری را شفاف کردند که در آن کارگر روزمزد یا دانشجوی ترم اول، نقدینگی اندک خود را بلافاصله به دارایی امن تبدیل می‌کند. این رفتار، پیش از ظهور این مجموعه‌های گلدتک، در آمارهای رسمی گم بود؛ زیرا در بازار سنتی، خرید ۵۰۰ هزار تومان طلا عملا غیرممکن یا با کارمزدهای گزاف همراه بود.

برای اینکه «واقعیت میلی‌گرم‌ها» دقیق‌تر دیده شود، گزارش چند شاخص مکمل می‌دهد که تصویر را برای همه کامل می‌کند: هر کاربر فعال در سال ۱۴۰۳ به‌طور متوسط ۱۰ معامله انجام داده و میانگین ارزش معاملات سالانه‌اش حدود ۵۵ میلیون تومان بوده است. این یعنی آنچه دیده می‌شود، بیشتر شبیه به یک «قلک‌سازی منظم» است تا «خریدهای بزرگ و مقطعی».

گزارش تکراسا حتی میانگین حجم هر معامله را هم ارائه می‌کند: حدود ۱.۳ گرم. کنار «میانگین حجم ذخیره ۱.۵ گرم» این نکته را برجسته می‌کند که بسیاری از کاربران، عملا با بسته‌های بسیار کوچک وارد می‌شوند و بخش قابل توجهی از آنها در همان بازه‌های خرد باقی می‌مانند؛ به خاطر محدودیت درآمد و تلاش برای حفظ ارزش نقدینگی روزمره. یک پیامد مهم «شفاف‌سازی مقیاس خرد» برای سیاست‌گذار این است که با یک بازار «توده‌ای» مواجه است؛ بازاری که بازیگران اصلی‌اش افراد هستند، نه بنگاه‌ها. هر سیاست محدودکننده، اینجا مستقیم به رفتار خانوار ضربه می‌زند و به همان نسبت، احتمال مهاجرت به کانال‌های تاریک‌تر را بالا می‌برد.

نسل «زد»؛ معماران جدید بازار طلا

گزارش‌ها حاکی از آن است که حدود ۱۹ تا ۲۷ درصد از کاربران این پلتفرم‌ها را نسل «زد» (متولدین اواسط دهه ۷۰ تا اواسط دهه ۸۰ شمسی) تشکیل می‌دهند و در میلی با توجه به سه میلیون نصب فعال، سهم جوانان چشمگیر است. این شفاف‌سازی جمعیت‌شناختی بسیار حائز اهمیت است. برخلاف تصور که طلا را کالای محبوب مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها می‌دانست، فناوری نشان داد جوانان ایرانی به دلیل ناامیدی از ابزارهای پس‌انداز ریالی و پیچیدگی بازارهای بورس یا رمزارز، به «خرید و فروش آنلاین طلا» پناه برده‌اند. آنها به رابط کاربری (UI) و تجربه کاربری (UX) اپلیکیشن‌ها اعتماد می‌کنند تا با چند کلیک، ارزش پول جیبی خود را حفظ کنند. این تغییر پارادایم، فقط به مدد داده‌های شفاف این پلتفرم‌ها قابل رصد شده است.

نباید فراموش کنیم که نسل «زد» ممکن است سهم بالایی از «حجم معاملات» نداشته باشد، اما به‌عنوان محرک رفتاری، نفوذ غیرمستقیم و اثرگذار بر تصمیمات مالی خانوار دارد؛ یعنی در بسیاری از خانواده‌ها، این نسل نقش «درگاه تصمیم» را بازی می‌کند؛ کسی که ابزار جدید را معرفی می‌کند و عادت جدید می‌سازد.

اقتصاد اعتماد؛ گذار از «حجره» به «خزانه بانکی»

یکی از تاریک‌ترین نقاط بازار سنتی طلا، مسئله «عیار» و «نگهداری» بود. خریدار خرد و عمومی هرگز نمی‌توانست مطمئن باشد که طلای خریداری‌شده ۱۸ عیار واقعی است یا در صندوق خانگی‌اش از سرقت در امان است. گلدتک‌ها با یک مدل هیبریدی (فیزیکی-دیجیتال)، مفهوم اعتماد را بازتعریف و شفاف کردند.

این «مدل هیبریدی» یک پاسخ نهادی به بحران اعتماد است. در ادبیات جهانی، گاهی از توکن‌سازی طلا با پشتوانه فیزیکی و زیرساخت بلاک‌چین صحبت می‌شود، اما گزارش تأکید می‌کند در ایران، پلتفرم‌های خرید و فروش آنلاین طلا عمدتا بدون بهره‌گیری از بلاک‌چین، نقش «شبه‌توکن‌سازی» را ایفا می‌کنند؛ یعنی دارایی خرد را به واحدهای دیجیتال قابل معامله تبدیل می‌کنند. این تمایز مهم است، چون نشان می‌دهد نقطه کانونی شفافیت در ایران، بیشتر «حکمرانی و ذخیره‌سازی» است تا چیز پیچیده‌ای مثل «فناوری بلاک‌چین».

پایان دوران «خالی‌فروشی» با شفافیت سیستمی

بزرگ‌ترین ترس رگولاتور (بانک مرکزی و نهادهای امنیتی) از بازار آنلاین طلا، پدیده «خالی‌فروشی» بود؛ یعنی پلتفرم پول مردم را بگیرد اما طلایی ذخیره نکند. گزارش سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که صنعت به سمت یک شفافیت اجباری و البته سازنده حرکت کرده است؛ الزام به ذخیره‌سازی صددرصدی طلا در خزانه بانک کارگشایی (بانک ملی). اینجا نقش بازیگران بزرگ برجسته می‌شود. طبق داده‌های موجود، پلتفرم میلی به‌عنوان رهبر بازار (Market Leader) از نظر حجم ذخیره طلا نزد بانک کارگشایی، استانداردی را ایجاد کرده که در آن هر میلی‌گرم طلای فروخته‌شده، معادل فیزیکی در خزانه دارد. این سطح از شفافیت -که کاربر بداند دارایی‌اش نه در گاوصندوق یک شرکت خصوصی، بلکه در خزانه بانک دولتی است- در تاریخ بازار طلای ایران بی‌سابقه است. این مکانیسم، ریسک نکول (Default Risk) را که کابوس همیشگی بازارهای مالی غیررسمی ایران (مثل مؤسسات اعتباری دهه ۹۰) بود، عملا به صفر نزدیک کرده است.

نباید فراموش کرد گزارش هم‌زمان نشان می‌دهد که شفافیت پشتوانه، هزینه حکمرانی هم دارد. در دوره جنگ ۱۲روزه، محدودیت برداشت طلا از بانک کارگشایی و محدودیت‌های پرداخت، بخشی از ذخایر پلتفرم‌ها نزد بانک کارگشایی را کاهش داد که خود آن می‌تواند روی «حس امنیت کاربر» اثر منفی بگذارد؛ بنابراین شفافیت نهادی وقتی کار می‌کند که «دسترسی نهادی» هم در شرایط بحرانی مختل نشود؛ وگرنه همان نهادی که قرار بود منبع اعتماد باشد، می‌تواند به گلوگاه اضطراب تبدیل شود.

همچنین گزارش شروط بانک مرکزی برای بازگشایی درگاه‌ها را ذکر می‌کند (ذخیره‌سازی کامل طلا نزد بانک کارگشایی، احراز کیف پول با بانک عامل، ثبت معاملات در سامانه جامع تجارت). اینها اگرچه از منظر کنترل ریسک «خالی‌فروشی» قابل فهم‌اند، اما اگر با طراحی درست تجربه کاربر و سرعت عملیات همراه نشوند، می‌توانند به افزایش اصطکاک و کوچ بخشی از تقاضا به کانال‌های کم‌شفافیت‌تر منجر شوند.

آزمون جنگ؛ رفتارشناسی در بحران ۱۲روزه

یکی از درخشان‌ترین بخش‌های داده‌کاوی این گزارش، مربوط به رفتار کاربران در دوره‌های تنش ژئوپلیتیک است. در یک بازه ۱۲روزه که سایه جنگ بر منطقه سنگینی می‌کرد، داده‌ها نشان می‌دهد که تقاضا برای «تحویل فیزیکی» طلا بین پنج تا ۱۰ درصد و در برخی موارد تا ۳۰ درصد جهش داشته است. در بازار سنتی، هنگام بحران، مغازه‌ها بسته می‌شوند یا از خریدوفروش امتناع می‌کنند (نبود نقدشوندگی). اما در پلتفرم‌های آنلاین، کاربران توانستند یا دارایی خود را نقد کنند یا درخواست تحویل فیزیکی دهند. درواقع حتی با وجود زیرساخت‌های قوی، کاربر ایرانی هنوز در عمق ناخودآگاه خود به «لمس فیزیکی دارایی» در زمان خطر نیاز دارد.

کالبدشکافی اقتصادی؛ هزینه فرصت و کارمزدهای پنهان بازار سنتی طلا مملو از هزینه‌های پنهان بود: اجرت ساخت، سود فروشنده، مالیات بر ارزش افزوده و حباب سکه. گلدتک‌ها با «شفاف‌سازی قیمت»، مدل درآمدی بازار را دگرگون کردند. در اینجا، «شفاف‌سازی قیمت» فقط به معنی نمایش قیمت لحظه‌ای نیست؛ به معنی آشکارکردن «هزینه کل مالکیت» است: کاربر می‌تواند بفهمد در ازای سرمایه‌گذاری خرد، چه میزان کارمزد می‌دهد، چه میزان اختلاف قیمت خرید/فروش (اسپرد) می‌پردازد و چه زمانی هزینه تحویل فیزیکی به‌صرفه است. در بازار سنتی، این هزینه‌ها اغلب یا در قالب اجرت پنهان می‌شد یا در کیفیت و عیار و سلیقه فروشنده گم می‌شد؛ اما در بازار آنلاین، مجبور است به عدد تبدیل شود و همین عددشدن، همان «شفاف‌شدن» است.

مقیاس‌پذیری میلیونی: قدرت اعداد بزرگ

گزارش چند عدد کلیدی درباره صنعت می‌دهد: در سال ۱۴۰۳ بیش از یک میلیون کاربر فعال وجود داشته، تعداد کل کاربران ثبت‌نامی یکتا از ابتدا تا پایان ۱۴۰۳ حدود ۱۰ میلیون ذکر شده و حجم معاملات کاربران فعال (خریدوفروش) حدود ۱۶ تا ۱۹ تن بوده است. این اعداد کمک می‌کند «قدرت اعداد بزرگ» را صرفا به‌عنوان یک حس توصیف نکنیم، بلکه نشان دهیم این صنعت چه مقدار «رفتار مالی خرد» را مرئی کرده است و وقتی از «میلی» به‌عنوان نماد مقیاس حرف می‌زنیم، گزارش داده‌های عملیاتی مشخصی ارائه می‌کند که دقیقا به بحث شفافیت خدمت می‌کند: مثبت ۱۲ میلیون کاربر ثبت‌نامی یکتا تا شهریور ۱۴۰۴، رشد هزارو ۸۱۲درصد کاربران ثبت‌نامی (شهریور ۱۴۰۴ در مقایسه با شهریور ۱۴۰۳)، حجم معاملات ۱۰۵.۷ هزار میلیارد تومان (مهر ۱۴۰۳ تا شهریور ۱۴۰۴)، حجم طلای تعهدشده به کاربران ۷۱۹ کیلوگرم (پایان شهریور ۱۴۰۴)، حجم کل تحویل‌های فیزیکی ۲۴۶ کیلوگرم (مهر ۱۴۰۳ تا شهریور ۱۴۰۴) و نرخ دسترس‌پذیری ۹۹.۹ درصد. این اعداد اگر درست خوانده شوند، معنای‌شان این نیست که «همه چیز عالی است»، بلکه این است که برای نخستین بار، بازار با شاخص‌هایی مثل مقیاس تعهد، توان تحویل و Uptime قابل ارزیابی شده و همین «قابل ارزیابی شدن»، خودِ شفاف‌سازی است.

در مراسم رونمایی از این گزارش جامع، «پنل سرمایه‌گذاری در عصر دیجیتال» با حضور صاحب‌نظران حوزه فین‌تک کشور برگزار شد. در این پنل، مصطفی اکرمی، مدیرعامل میلی، یادآور شد در سطح جهانی توجه به ذخایر طلا افزایش یافته و برخی کشورها با جدیت بیشتری در حال تقویت سهم این دارایی در سبدهای‌شان هستند. او با اشاره به اینکه بشر در دوره‌ای طلا و فلزات گران‌بها را به‌عنوان ابزار مبادله کنار گذاشت و پول را جایگزین آن کرد، گفت: «امروز مفهوم دارایی واقعی دوباره برجسته شده است؛ بی‌آنکه این روند لزوما به معنای کناررفتن پول باشد».

اکرمی با اشاره به سطح سواد مالی عمومی در کشور گفت: «سواد مالی هنوز به اندازه کافی رشد نکرده و معمولا افرادی که دارایی بیشتری داشته‌اند، زودتر به ابزارهای نوین سرمایه‌گذاری دسترسی پیدا کرده‌اند. در این میان پلتفرم‌های آنلاین در ساده‌سازی و عمومی‌کردن سرمایه‌گذاری نقش برجسته‌ای دارند؛ مسیری که می‌تواند سرمایه‌گذاری را از یک فعالیت صرفا تخصصی خارج کرده و امکان مشارکت دارایی‌های خرد را فراهم کند».

آینده‌نگری؛ اکوسیستم فراگیر مالی

گزارش به‌درستی اشاره می‌کند که ما هنوز در دوران «جنینی» یا ابتدای «رشد» این صنعت هستیم. شفافیت ایجادشده به واسطه گلدتک‌ها، زیربنای محصولات مالی پیچیده‌تری در سال‌های ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۸ خواهد شد. گزارش برای اینکه این آینده‌نگری از جنس خیال‌پردازی نشود، آن را در قالب ترندهای زمانی دسته‌بندی می‌کند: از «زیر یک سال» تا «یک تا سه سال» و «سه تا پنج سال». این ساختار نشان می‌دهد اکوسیستم مالی مبتنی بر طلا یکباره ساخته نمی‌شود؛ مرحله به مرحله و با بلوغ تنظیم‌گری و زیرساخت‌های تسویه/توثیق رشد می‌کند.

طلا به‌عنوان پول (Collateralization)

یکی از جذاب‌ترین چشم‌اندازهای ترسیم‌شده، استفاده از طلا به‌عنوان وثیقه است. در سیستم سنتی، وثیقه‌گذاشتن طلا نزد بانک فرایندی فرسایشی بود. اما با شفافیت موجودی کاربران در پلتفرم‌های خریدوفروش آنلاین طلا، اتصال به لندتک‌ها (LendTech) ممکن شده است. کاربر می‌تواند بدون فروش طلای خود، اعتبار خرید کالا دریافت کند.

چالش‌ها و تهدیدها؛ سایه رگولاتوری

با وجود تمام این دستاوردها، گزارش هشداری جدی درباره «ریسک رگولاتوری» می‌دهد. شفافیت، شمشیری دو لبه است.

گزارش یک تصویر «ساختاری» هم از ریسک رگولاتوری می‌دهد: نبود مرجع واحد در تنظیم‌گری و تعدد نهادهای ناظر/صنفی/امنیتی که هرکدام می‌توانند در نقطه‌ای از زنجیره ارزش دخالت کنند. این تعدد، خودش ضد شفافیت نیست، اما اگر هماهنگی نهادی نباشد، نتیجه‌اش برای کاربر می‌تواند «نااطمینانی نهادی» باشد؛ همان چیزی که کاربر را از کانال‌های شفاف به کانال‌های مبهم سوق می‌دهد.

آنچه گزارش ایران فین‌تک به ما نشان می‌دهد، این است که ما شاهد ظهور طبقه‌ای از سرمایه‌گذاران هستیم که نه با «اعتبار حاجی‌بازاری»، بلکه با «شفافیت الگوریتمی» معامله می‌کنند. پلتفرم‌های گلدتک و در رأس آنها بازیگرانی که سهم بازار عمده را در اختیار دارند (مانند میلی که طبق نمودارها در صدر نصب و رضایت کاربران قرار دارد) توانسته‌اند: هزینه‌های مبادله (Transaction Costs) را به‌شدت کاهش دهند، نبود تقارن اطلاعات (Information Asymmetry) بین خریدار و فروشنده را از بین ببرند و نااطمینانی نهادی را با اتصال به خزانه بانک‌ها مدیریت کنند.

این «شفاف‌سازی» تغییری بنیادین در عدالت اقتصادی است. زمانی که یک جوان روستایی می‌تواند با همان قیمت و همان شرایطی طلا بخرد که یک سرمایه‌دار در شمال تهران معامله می‌کند، یعنی فناوری توانسته است شکاف طبقاتی در «دسترسی به ابزارهای مالی» را پر کند. بازار طلا دیگر یک باشگاه خصوصی نیست، بلکه شیشه‌ای شفاف است که همه می‌توانند محتویات آن را ببینند و سهمی از آن داشته باشند.

پیام نهایی گزارش برای سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران روشن است: مقاومت در برابر این شفافیت بیهوده است. آینده بازار طلا در ایران، نه در پستوی بازارها، بلکه بر روی سرورهای امن و اپلیکیشن‌های موبایلی رقم خواهد خورد که اعتماد را با شفافیت معامله می‌کنند. در نهایت باید گفت این گزارش تأیید می‌کند که مسیر بازگشت‌ناپذیری آغاز شده است. طلای ایران، برای همیشه از تاریکی خارج شده است.

نوبت دوم

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه)
نوبت دوم – (تجدید مرتبه اول) مناقصه شماره ۲۴۵-۰۲-۴۱۶۳۸

شرکت ملی گاز ایران
شرکت پالایش گاز
شهید هاشمی نژاد(خاتگیران)
(سهامی خاص)

خرید دستگاه های :ویسکومتر- فلش پوینت کلوز آپ -دانسیتومتر

۱- نوع مناقصه : دو مرحله ای - مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه)
۲- نوع فراخوان : عمومی .
۳ - نام ونشانی مناقصه گذار : شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد (S.G.P.C) به آدرس : مشهد، خیابان آبکوه، نبش دانشسرای شمالی، شماره ۲۵۵، شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد- دبیرخانه کمیسیون مناقصات.
راه های ارتباطی:
تلفن مسوول کمیسیون مناقصات و کمیته فنی بازرگانی: ۳۷۲۸۵۰۲۳-۰۵۱
تلفن دبیر کمیسیون مناقصات: ۳۷۲۸۵۰۴۵-۰۵۱
تلفن دبیرخانه کمیته فنی بازرگانی: ۳۷۲۹۸۰۵۵-۰۵۱
تلفن دبیرخانه کمیسیون مناقصات: ۳۷۲۸۵۰۲۴-۰۵۱
نمابردبیرخانه کمیسیون مناقصات و کمیته فنی بازرگانی : ۳۷۲۸۵۰۲۳-۰۵۱
آدرس پست الکترونیک : Tender@Nigc-Khangiran.ir
۴- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: تضمین های اعلام شده در آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی به مبلغ ۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (شش میلیارد ریال) .
۵- نحوه و مهلت دریافت اسناد : متقاضیان می توانند تا ساعت ۱۸:۵۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ ، نسبت به دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و با شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۲۱۳۴۰۰۰۱۳۰ در سامانه اقدام نمایند. لازم به ذکر است تمامی مراحل برگزاری مناقصه از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.
۶- آخرین مهلت ارسال پاکت های پیشنهاد : متقاضیان بعد از دریافت اسناد مناقصه از سامانه مذکور می بایست حداکثر تا ساعت ۱۸:۵۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ ، اسناد مناقصه تکمیل شده را به همراه مدارک مورد نیاز در سامانه بارگزاری و ثبت نمایند.
۷- محل و زمان گشایش پیشنهادات : پس از بررسی پیشنهاد های فنی بازرگانی شرکت ها (ارزیابی فنی بازرگانی) ، پاکتهای مالی شرکت های واجد شرایط در ساعت ۰۹:۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۳، در محل اتاق کنفرانس اداره مشهد (دفتر آبکوه) به آدرس مشهد، خیابان آبکوه، نبش آبکوه ۷ (دانشسرای شمالی) ، شماره ۲۵۵، شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد، با هر تعداد پیشنهاد تایید شده فنی بازرگانی گشایش خواهد یافت. لازم به ذکر است تاریخ و مکان اعلام شده (تاریخ گشایش پیشنهادهای مالی) قطعی نبوده و با توجه به روند ارزیابی امکان تغییر وجود خواهد داشت.
همچنین جلسه تفکیک پاکات مناقصه درساعت ۰۹:۳۰ تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ در محل مذکور برگزار خواهد شد و پیشنهادات فنی (پاکت ب) برای انجام ارزیابی فنی به کمیته فنی / بازرگانی ارسال خواهد گردید. در صورت تمایل نماینده مناقصه گر می توانند با در دست داشتن اصل معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر در جلسه مذکور شرکت نمایند.
ضمناً با توجه به این که مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) می باشد، لذا لازم است مناقصه گران علاوه بر تکمیل و بارگزاری اسناد ارزیابی کیفی و مستندات مربوطه نسبت به بارگذاری همزمان پاکات (الف) ، (ب) و (ج) نیز در سامانه اقدام نمایند.
شناسه آگهی : ۲۰۸۰۰۹۴
نوبت اول : ۱۴۰۴/۱۰/۰۷ نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۰/۰۸
روابط عمومی شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد
۶۲۱۹